

شاگرد شوید (شاگرد سازید)

دروش تعلیمی کلیسای ایرانیان اسلو زمستان- بهار سال 2000

مقدمه

بهترین شیوه در کار بشارت کدام است؟ این سؤال مثل این است که از یک ماهیگیر بپرسیم: بهترین راه برای ماهیگیری چیست؟ استفاده از تور، یا به کار بردن نیزه ماهیگیری و یا به کار بردن قلاب و چنگک؟ در پاسخ باید گفت که انتخاب هر شیوه به شرایط و موقعیت بستگی دارد. قرن‌ها پیش، عیسی چند ماهیگیر را دعوت نمود و در طی یک دوره آموزشی، شیوه‌های بشارت را به آنان آموخت: «از عقب من آید تا شما را صیاد مردم گردانم» (متی 4:19).

شاگردان به دنبال عیسی رفتند و قدرت، پیغام و شیوه‌های بشارت را از او آموختند. مسیح به آنها تعلیم داد که چگونه دعا کنند، تعلیم دهند، موعظه نمایند، بیماران را شفا بخشند، گرسنگان را غذا دهند و به گناهکاران کمک کنند تا خدا را بیابند، ولی به آنان آموخت که برنامه منظمی برای سفرهای بشارتی داشته باشند و از هر فرصت غیر منتظره‌ای برای رساندن انجیل به مردم استفاده کنند. آنها یاد گرفتند که مردم را در خانه‌هایشان ملاقات کنند و از موقعیت‌های اجتماعی برای بشارت استفاده نمایند. آنها شنیده بودند که چگونه عیسی در جشن‌های مذهبی برای توده‌های مردم موعظه می‌کرد، در مورد ملکوت خدا با سران قوم مباحثه می‌نمود و در کنار چاهی خارج از یک دهکده، مژده نجات را به زنی مطرود می‌رساند.

ماهیگیر باید به جایی که ماهی هست برود و عیسی هم پیغام انجیل را به هر جا که مردم بودند می‌برد. او به شاگردان تعلیم داد که از هر امکان موجود استفاده کنند و در هر جا که باشد وظیفه خود را انجام دهند در حیاط، در جلسه تعلیمی، در خیابان‌ها، در کنار ساحل، بر پهنه کوه، در خانه و در یک قایق قرض شده.

شاگردان مسیح، اصول اساس ارتباط صحیح را از بزرگترین معلم تمام تاریخ آموختند. از او یاد گرفتند که به شنوندگان خود توجه داشته باشند و هدف پیغام خود را بر علایق و احتیاجات آنها متمرکز نمایند و از زبان ساده و بیان قابل فهم استفاده کنند.

عیسی به شاگردانش آموخت که پیغامشان را بر کلام خدا بنا نهند، در سخنان خود از سؤال و مثال بهره بگیرند و شنوندگان را به اتخاذ تصمیم دعوت کنند. نه فقط روش‌های مسیح بلکه حالات او نیز آموزنده بود؛ یعنی محبت او نسبت به خدا و انسان، وقف شدن او برای کار، غیرت، ایمان و اطاعت او از اراده خدا.

پس از اینکه شاگردان یاد گرفتند که چگونه «صیاد مردم» باشند، عیسی آنان را از روح القدس پر نمود و فرستاد تا کار او را ادامه دهند: «پس رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید... اینک من هر روز تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم» (متی 28: 19-20). این حکم و وعده او امروز هم شامل حال ما می‌شود. در این کتاب به مطالعه اصولی خواهیم پرداخت که عیسی برای صیادان مردم مقرر نمود.

- 1- به هر جا که مردم هستند بروید.
- 2- از هر فرصتی برای اعلام پیغام انجیل به مردم استفاده کنید.
- 3- از روشی استفاده نمایید که با نیاز مخاطبین، بیشترین تطبیق را داشته باشد.
- 4- هر وسیله یا مکان در دسترس را به کار برید. دعای ما این است که مطالعه کتاب بشارت در دنیای امروز مایه برکت شما شود.

کار خدا و کار ما

در کشور صحرایی بور کینافاسو واقع در غرب آفریقا، مرد نابینایی زندگی می‌کند که مبشر غیوری برای خداست. وی اتومیلی ندارد، با این حال از روستایی به روستای دیگر سفر نموده و انجیل عیسیای مسیح را اعلام می‌کند. سال‌هاست که او به نحوی مؤثر بر قدرت نجات‌بخش خدا شهادت داده و در نتیجه مساعی او، عده زیادی مسیح را شناخته‌اند. همه کسانی که در روستاهای مختلف بورکینافاسو توسط او ایمان آورده‌اند، با سرمشق گرفتن از نمونه وی، در سلوک و شهادت مسیحی خود امین مانده‌اند.

این مبشر نابینا، در سفرهای خود به کمک برادرزاده خویش و سایر جوانان متکی بوده تا او را به وسیله دوچرخه به اینجا و آنجا ببرند. بدین ترتیب او قادر می‌گردد که انجیل را در دور افتاده‌ترین مناطق کشور خود موعظه نماید. در نتیجه اقدامات وی، نه فقط برادرزاده‌اش اکنون به خادم انجیل و معلم مدرسه کتاب مقدس مبدل شده، بلکه زندگی اشخاص بی‌شماری تغییر یافته است. این همه، نتیجه خدمات مردی امین و وقف شده است که علی‌رغم شدت نقص عضو خود، از این فرمان بزرگ عیسی اطاعت کرده که «... بروید و جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید» (مرقس 16: 15).

کار بشارت، نقشه خداست برای جذب کردن جهان به سوی خود. خدا برای به انجام رساندن نقشه خود، از طریق قوم خویش کار می‌کند. در این فصل به بررسی دقیق مفهوم بشارت و نیز وظیفه ما در قبال آن می‌پردازیم. همچنین خواهیم دید که خدا شیوه خاصی برای بشارت و قدرت مخصوصی برای به اجرا در آوردن آن دارد. سپس به سهم خویش در همکاری با خدا و اعلام خبر خوش نجات به جمیع خلایق، توجه خواهیم نمود.

بشارت چیست؟

با شنیدن این کلمات و عبارات، اولین چیزی که به ذهن شما می‌رسد چیست؟ بشارت، جلسات کلیسایی، اردوهای بزرگ بشارتی، شهادت دادن به دیگران در مورد کاری که مسیح برای شما انجام داده و دعوت کشیش از مردم برای پیوستن به کلیسا؟ افراد مختلف، برداشت متفاوتی از مفهوم بشارت دارند. بشارت دارای شکل‌های متعددی است و شیوه‌های گوناگونی دارد. ثمر و نتیجه بشارت، تا حد بسیاری به درک خادمان از معنی آن بستگی دارد. آنها باید دیدگاه روشنی نسبت به اهداف کار خود داشته باشند و برای رسیدن به آن اهداف، باید بدانند که انجام چه کاری لازم است. بررسی خود را در مورد بشارت با نگاهی به مفهوم این کلمه و شناخت روش‌های اساسی بشارتی آغاز می‌نماییم.

مفهوم کلمه بشارت

کلمه انگلیسی بشارت یا Evangelism از ریشه کلمه یونان Euaggelidzo، به معنی «خبر خوش می‌آورم» مشتق شده است. پس مفهوم اصلی بشارت عبارت است از دادن خبر خوش انجیل به مردم (انجیل به معنی «خبر خوش» می‌باشد) بشارت ما به مردم با اعلام این خبر خوش انجام می‌پذیرد که عیسای مسیح، پسر خدا، آنها را از گناهانشان نجات خواهد داد و به آنان حیات ابدی خواهد بخشید.

البته کلمه بشارت به صورتی که آن را به کار می‌بریم، چیزی بیشتر از صرفاً اعلام خبر خوش می‌باشد. ما می‌کوشیم که مردم را به نشان دادن عکس‌العمل مثبت و پذیرش مسیح همراه با تمام برکاتش، تشویق نماییم. برای برداشتن این قدم باید به مردم کمک کنیم. پس از آن نیز تمام سعی خود را باید به کار بریم تا آنان را در ایمان و مشارکت مسیحی، پا بر جا و استوار بداریم.

ویلیام تمپل (William Temple) اسقف عظم کانتربری، این تعریف را از بشارت ارائه می‌دهد: بشارت؛ یعنی اینکه عیسای مسیح را چنان با قوت روح القدس نشان دهیم که انسان‌ها به او به عنوان نجات‌دهنده ایمان آورند و او را به عنوان خداوند در مشارکت با کلیسایش، خدمت نمایند. نقل از مجله حیات مسیحی، نوامبر 1968

با بررسی این تعریف در می‌یابیم که عمل ما در بشارت نشان دادن مسیح است. این کار باید با قوت روح القدس انجام گیرد. هدف این است که انسان‌ها به مسیح به عنوان نجات‌دهنده خود ایمان آورند، در نتیجه او را به عنوان خداوند در مشارکت با کلیسایش خدمت کنند.

اقتدار برای بشارت

به چه حقی می‌توانیم در مورد خدای خود با پیروان سایر ادیان صحبت کنیم؟ اگر مردم بخواهند شیطان را بپرستند و یا آفتاب و بت‌ها را عبادت کنند، آیا این حق را داریم که مزاحم آنها بشویم؟ در اغلب ادیان، تعالیم نیکوی بسیاری وجود دارند، پس چرا باید بکوشیم که اعتقادات و رسوم مردم را عوض نماییم؟ با چه اقتداری به همه جا رفته و انجیل را موعظه می‌کنیم؟

برای یافتن پاسخی به سؤالات فوق، متی 28: 18-20 را بخوانید. فرمانی مسیح این است که به همه مردم و تمام ملل باید بشارت داد. اختیار و اقتدار مسیح پشتوانه عمل ماست، چون تمام قدرت در آسمان و زمین به دست‌های او سپرده شده و بشارت ما بر اساس نظر شخصی یا موقعیت محیطی نیست، بلکه تماماً بر اقتدار شخصی مسیح قرار دارد. خدای عظیم جهان، آن خدای واحد حقیقی که دنیا و آنچه را که در آن است، به وجود آورده به ما فرمان داده که کلام او را به همه برسانیم. عیسی مسیح پسر خدا، این حکم را به کلیسا داد. ما این حکم را فرمان اعظم می‌نامیم. ما اقتدار و دستورات خود را در مورد بشارت، از کلام خدا می‌یابیم.

هنگامی که کلیسای اولیه، انجیل را موعظه کرد و در مورد مسیح با مردم سخن گفت، مورد جفا واقع شد و از صحبت راجع به مسیح منع گردید. با این حال، مسیحیان اولیه دریافتند که اعتبار و اقتدار کلام خدا بالاتر از دستورات بشری است و به همین دلیل به شهادت دادن خود در مورد مسیح ادامه دادند. رسولان به زندان افتادند، ولی فرشته‌ای آنها را آزاد کرد. در مقابل شورای مذهبی مورد تهدید واقع شدند، اما پطرس توضیح داد که علت نافرمانی آنها اطاعت از دستورات مقام بالاتر بوده است: «خدا را می‌باید بیشتر از انسان، اطاعت نمود!» (اعمال رسولان 5: 29). پس امروز هم هر جا که خدا شما را می‌فرستد با قدرت فرمان او بروید. به یاد داشته باشید که در همان جا، عیسی با شما است!

امروزه بسیاری از مردم احساس می‌کنند که یک مسیحی نباید در مورد مسیح با پیروان سایر ادیان و مذاهب سخن بگوید. بعضی از مسیحیان، اگر در مورد مسیح شهادت دهند با جفا و احتمالاً مرگ رو به رو خواهند شد. دیگران هم متوجه نیستند که فرمان اعظم، خطاب به آنها هم هست، ولی ما در قبال بشارت به دیگران، مسؤول هستیم.

روش‌های اساسی بشارت

روش‌های بشارت عبارتند از راه‌هایی که به وسیله آنها مسیح را نشان می‌دهیم، با این هدف که مردم را تشویق کنیم تا او را به عنوان نجات‌دهنده بپذیرند و به عنوان خداوند، خدمت کنند. در این کتاب روش‌های مختلف و متعددی را از نظر خواهیم گذراند و خواهیم دید که چگونه هر یک، دیگری را تقویت می‌نماید. عیسی و رسولان روش‌های خود را با موقعیت‌ها تطبیق می‌دادند. اساس بشارت آنها بر قوت روح القدس قرار داشت که در آنها بود و از طریق آنها کار می‌کرد (اعمال رسولان 1: 8).

دعا وسیله‌ای بود که ارتباط میان آنها و خدا را برقرار می‌نمود. خدا در هر موقعیت، پیغام خود را به آنها می‌داد و آنها را تشویق می‌نمود که آن را ارائه کنند. پس می‌توانیم بگوییم، اساسی‌ترین روش بشارت این است که اجازه دهیم خدا از طریق ما کار کند. با این حال، هرگاه صحبت از روش‌ها در میان است، معمولاً باید به راه‌های اعلام پیغام هم اشاره نمود. در این باره می‌توان به این نکات توجه نمود: تعلیم (متی 28 : 20)، موعظه (مرقس 16 : 15) و شهادت دادن (اعمال رسولان 1: 8). نقشه خدا برای بشارت این بود که تمام انجیل را از طریق کار توسط تمام کلیسا، به تمام جهان برساند.

الگوی خدا

الگوی اساسی بشارت، عبارت است از کار خدا از طریق این الگو را می‌توان از همان ابتدا در باغ عدن مشاهده نمود. «و خداوند خدا، آدم را ندا در داد و گفت: کجا هستی؟» محبت خدا او را به جستجوی انسان گمشده می‌کشاند، حتی وقتی که این انسان می‌کوشد خود را از چشم آفریننده‌اش مخفی سازد.

نکته اساسی در الگو و نمونه کار خدا، همین ندا در دادن است. نقش ما چیست؟ این را از بیان یحیای تعمیددهنده در می‌یابیم: صدای نداکننده‌ای در بیابان که راه خداوند را مهیا سازید...» (مرقس 1: 3).

با توجه به شیوه کار خدا در باغ عدن، مطالبی را می‌آموزیم. در فصل سوم پیدایش، خدا را در جستجوی انسان می‌بینیم. خدا او را به نام می‌خواند. از اوسؤال می‌کند و او را با گناه خود رو به رو می‌نماید. خدا به آدم و حوا پیغامی داد. او نتیجه گناه را به آنها نشان داد، ولی پیشگویی کرد که نجات‌دهنده‌ای، انسان را از قدرت شیطان خواهد رهانید. سپس به جای سترهای حقیرانه‌ای که برای خود ساخته بودند، آنها را با رخت‌ها پوشانید. ماهم باید از همین الگوی الهی پیروی کنیم. در عین حال خدا نیز ما را در جستجوی گمشدگان هدایت خواهد نمود و در اعلام پیغام سماوی وی به هر یک از آنها، یاری خواهد داد.

الگوی کار بشارتی خدا در باغ عدن از یافتن گناهکاران و اعلام پیغام به آنان هم فراتر می‌رود. او به آدم و حوا نشان داد که دوستشان دارد. خدا در آنجا قربانی‌ای انجام داد و آدم و حوا را پوشانید تا بتوانند در مقابل او و دیگران بدون شرمندگی بایستند. بدین ترتیب نمونه کوچکی از آنچه که خدا قرار بود برای جهان گناه‌آلود در جلجتا انجام دهد. از پیش نشان داده شد. این نکته به ما یادآوری می‌نماید که به هنگام صحبت درباره داوری خدا علیه گناه، باید در مورد محبت او نسبت به گناهکاران هم سخن بگوییم.

البته دیگران باید این محبت را در ما ببینند تا سخن ما را باور کنند. قربانی برای نجات، در جلجتا به انجام رسید، ولی هنوز لازم است که ما نسبت به نفس خود بمیریم. این قربانی زنده به دیگران کمک خواهد کرد تا نجات‌دهنده را بیابند و او را پیروی کنند. عهد عتیق تماماً حاکی از آن است که خدا، گناهکاران را ندا در می‌دهد تا از گناهان خود بازگشت نموده و نجات یابند، ولی او این کار را به وساطت انبیای خویش عملی می‌ساخت.

خدا، نوح را برگزید تا علیه شرارت قوم خود وعظ کند و راه‌هایی از داوری آتی را به آنها نشان دهد. خدا، یونس را فرستاد تا به اهالی نینوا هشدار دهد. اشعیا، ارمیا، عاموس و سایر انبیا با قوت روح القدس به پیش رفتند و پیغام خدا را اعلام نمودند.

آنان پیام‌آوران الهی بودند که توسط خدا انتخاب و فرستاده شدند تا پیغامی خاص را به گروهی خاص و در محلی مشخص، اعلام نمایند. امروزه هنوز هم الگوی کار خدا این است.

به وضوح دیدیم که الگوی اساسی بشارت عبارت است از کار خدا توسط انسان. عیسی هم بارها به شاگردانش گفت که خدا از طریق او کار می‌کند و معجزات و سخنان وی از اوست. او همچنین به پیروانش وعده داد که به همین ترتیب، روح القدس توسط آنان عمل خواهد نمود. نمونه دیگر الگوی اساسی کار خدا در بشارت را می‌توان در کتاب اعمال رسولان یافت. در این کتاب می‌بینیم که چگونه روح القدس، کلیسای اولیه را به کار می‌برد تا تمام مژده انجیل را به تمام جهان برساند. اعضای کلیسای اولیه هم مثل ما، مردان و زنانی معمولی بودند، ولی خدا از طریق آنها کار نمود.

ملوین هاجز (Melvin Hodges) در مورد نتیجه خارق‌العاده این کار چنین می‌نویسد:

رسولان همچون انسان‌هایی تسخیرشده در زندگی کردند. واقعا هم این طور بود چون روح خدا آنها را تحت تسلط خود داشت. در نظر آنها زندگی و دنیا اهمیت چندانی نداشتند. حتی به تأمین مالی و مادی هم توجه نمی‌کردند،

چون دائماً در مخاطره به سر می‌بردند. بارها به زندان افتادند و مضراب شدند. آنها شب و روز با اشکها برای نو ایمانان دعا می‌کردند. خود را به طور کامل وقف عیسیای مسیح و اراده او کرده بودند چون او خداوند و صاحب زندگی آنها بود. رسولان، مردان ایمان بودند. آنها در ملکوت خدا گام بر می‌داشتند، زیرا آن را واقعیتی زنده و روحانی می‌دانستند.

به کلام انجیل ایمان داشتند و وقتی که به نام عیسی موعظه می‌کردند نتیجه را انتظار می‌کشیدند. ایمان داشتند که عیسی به دست راست تخت خدا، زنده و حاضر است و مطمئن بودند که وعده داده حتی تا انقضای عالم هم با آنها همراه خواهد بود. پس می‌بایست به نام او به آن مرد لنگ فرمان می‌دادند که بر پایش بایستد. آنها حقایق روحانی را واقعی‌تر از حقایق طبیعی به شمار می‌آوردند. به همین دلیل می‌توانستند در مقابل جفا و «وحوش افسوس» و یا در برابر خود نرون پایدار بمانند. در آن زندان‌های تاریک، سرود می‌خواندند و دعا می‌کردند.

پولس پس از آنکه سنگسار شده به حال مرگ افتاد، مجدداً برخاست و به موعظه انجیل ادامه داد. ایمان آنها متکی به خود نبود، بلکه به مسیح زنده و قیام کرده ایمان داشتند. این پیام‌آوران اولیه مردانی مطیع و پر از روح القدس بودند، بدین علت از نوایمانان خود توقع داشتند که همین‌گونه باشند. آنها تعالیم مسیح را به کسانی سپردند که همچون خودشان واکنش مثبت نشان داده و از وعده‌های الهی، پر شدند. انتظار رسولان از نوایمانان این بود که خود را مسؤول دانسته و انجیل را نه به عنوان وظیفه بلکه به صورت نتیجه بدیهی و اجتناب‌ناپذیر نجات خود، بشارت دهند.

قوت خدا

با نگاه به نمونه‌هایی از عهد عتیق و نیز از کلیسای اولیه، الگوی اساسی خدا را برای بشارت در عمل مشاهده نمودیم. در ورا و درون این نمونه‌ها، خدا کار کرده است. بدون حضور و قوت خدا، تمام سعی و کوشش ما بی‌فایده است. ما باید خود مسیح زنده را به جهان نشان دهیم، نه فقط اینکه راجع به او چیزی بگوییم. کار روح القدس هم این است که زنجیرهای گناه را بگسلد و گناهکاران را به فرزندان خدا تبدیل نماید. بدون این قوت، تمام شهادت‌ها، موعظه‌ها و تعالیم ما فقط مشابه روش‌های بشارتی خواهند بود. بشارت حقیقی و بشارتی که مثمر ثمر است باید در قوت روح القدس صورت پذیرد.

شیطان در تلاش خود برای برگرداندن ما از کار خدا، سلاح‌های مختلفی را به کار می‌برد. او از مقاومت و بی‌تفاوتی مردم استفاده می‌کند تا ما را مایوس و شکست خورده نماید. وی همچنین ممکن است از جفا، انتقاد، شک، سردرگمی، فشارهای احساسی، وسوسه‌ها، سؤتفاهات بین مسیحیان و

یا مشکلات جسمانی هم استفاده کند. مبارزه با شیطان بخشی از کار بشارت ماست. لازم است نسبت به آن آگاه و هشیار بوده، محافظت الهی را به کار بریم.

اولاً، هرچه بیشتر درک کنیم که جنگ ما با شیطان است نه با مخالفینمان، پیروزی برای ما آسان‌تر خواهد بود. بدین ترتیب نسبت به قربانیان شیطان، دلسوزی بیشتری خواهیم داشت و افراد گستاخ یا بی‌تفاوت را متحمل شده، حکیمانه‌تر با مشکلات برخورد خواهیم کرد.

ثانیا، احتیاجی نیست که از خطرات کار خود بترسیم، چون خدا با ما خواهد بود. روح خدا و کلام او در افکار تیره خواهند درخشید و به اشخاص بسته، دید روحانی خواهند داد. خدا ما را به جنگ می‌فرستد و به ما لباس جنگ و اسلحه لازم را عطا می‌کند تا بتوانیم از خود محافظت نموده، شیطان را شکست دهیم و اسیران او را آزاد سازیم (افسسیان 6: 10 - 18). در بشارت با خدا همکاران هستیم.

بدین دلیل به هنگام اعلام مسیح به جهان و آنگاه که برای نجات جانها با شیطان می‌جنگیم، بر فیض و قوت الهی تکیه داریم. شما باید به عنوان یک سرباز مسیح، خود را نسبت به او متعهد بدانید. عیسی قبلا شیطان را در جلجتا شکست داده است. خون او به عنوان فدیة برای تمام اسیران شیطان ریخته شد. پس باید به نام عیسی بروید و بر شیطان علبه یابید. روح القدس با شما است تا شما را محافظت و رهبری نماید و بر تمام نیروی دشمن، شما را قوت بخشد.

تمایل به اطاعت از خدا

وقتی که عیسی را به عنوان نجات‌دهنده خود پذیرفتیم، او را به عنوان خداوند هم قبول کرده‌ایم. سپس زندگی خویش را وقف او و اهدافش نموده خود را مطیع وی ساخته‌ایم. از آن هنگام تاکنون، بارها قول داده‌ایم که هر جا خدا بخواهد برویم. هر چه او بخواهد بگوییم و هرچه اراده کند انجام دهیم. دستورات مسیح خطاب به کلیسا، شامل حال ما هم می‌شوند. مسیح می‌خواهد احکام او را نگاه داریم (یوحنا 14: 15)، همه امت‌ها را شاگرد سازیم (متی 28: 19-20)، همه را به انجیل موعظه کنیم (مرقس 16: 15)، شاهدان او باشیم (اعمال رسولان 1: 8) و اطاعت از خدا را بر اطاعت انسان ترجیح دهیم (اعمال رسولان 4: 13-20 و 5: 27-29).

تمایل به پیروزی نقشه خدا

هرچه بیشتر، شخصی را دوست بداریم، بیشتر تمایل خواهیم داشت که موفقیت او را ببینیم. علایق او علایق ما می‌شوند و ما میل خواهیم بود که برای پیشبرد نقشه خود، هرچه در توان داریم به کار ببریم. می‌دانیم که مسیح، مالک و حاکم بر حق این دنیاست و به همین خاطر دعا می‌کنیم: «ملکوت تو بیاید، اراده تو چنان که در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود» (متی 6: 10) و نیز می‌طلبیم: «پیا ای خداوند عیسی» (مکاشفه 22 : 20). ولی کاری هست که باید قبل از آمدن او انجام دهیم. مسیح فرمود: «و به این بشارت ملکوت. در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امت‌ها، شهادتی شود. آنگاه انتها خواهد رسید» (متی 24: 14).

در حالی که سایرین در جستجوی معنا و مفهومی برای زندگی خود هستند، ما آن را یافته‌ایم؛ یعنی هدف و نقشه خدا را و می‌خواهیم در پیروزی آن سهمی داشته باشیم. مسیح به ما گفته که اولویت زندگی خود را بر این ملکوت الهی قرار دهیم و سایر احتیاجات خود را هم از خدا خواهیم یافت (متی 6 : 33). ما می‌خواهیم بخشی از بشارت جهانی باشیم و ملکوت خدا را هر چه بیشتر بر زندگی اشخاص حاکم بسازیم. ما می‌خواهیم کاری را که او به ما سپرده است پیش از آمدنش به پایان رسانیم تا در آن موقع همه با هم با موفقیت به استقبال او برویم.

تمایل به جلب رضایت خدا

تمایل ما به جلب رضایت خدا، نه فقط ما را در بشارت فعالیت می‌سازد، بلکه این اشتیاق را در ما ایجاد می‌کند که همه چیز را آن طور که او می‌خواهد انجام دهیم. گاهی چنین به نظر می‌رسد که مردم، بر کار ما ارج نمی‌گذارند و چندان فایده‌ای از زحمات خود نمی‌یابیم، ولی نباید تسلیم ناامیدی شویم. ما خدا را دوست داریم و می‌خواهیم او از ما راضی باشد هدف اصلی ما در زندگی، این است. به انگیزه‌ها و تمایلات لازم که مورد اشاره قرار گرفتند فکر کنید. آیا این تمایلات، نیروی محرکه شما در زندگی می‌باشند؟

اگر لازم است که آنها را در خود تقویت کنید، پس در موردشان فکر نمایید و از خدا بخواهید که آنها را دائماً به یاد شما بیاورد تا در هر موقعیتی که پیش می‌آید، آنها را به کار ببندید. اگر برای اطاعت از خدا، انگیزه‌های قوی و محکمی داشته باشید، بر ترس طبیعی خود از شهادت دادن به بی‌ایمانان، غلبه خواهید نمود.

تمایل به مشارکت

این تمایل در ما هست که با کسانی باشیم که دوستشان داریم. این تمایل، به سه طریق به کار بشارت ما یاری می‌دهد:

- 1- ماایل خواهیم بود که عزیزان ما هم در آسمان با ما باشند.
- 2- ماایل خواهیم بود که در امور بشارتی کلیسا سهمی داشته باشیم، چون در کار و برکت سایرین شرکت خواهیم داشت و شادی خاصی نصیب ما خواهد شد.
- 3- ماایل خواهیم بود که در مشارکت مخصوص با مسیح بمانیم. وقتی که مسیح ما را برای یافتن گوسفندان گمشده‌اش به کار می‌گیرد، مشمول برکات خاص صمیمیت با او می‌شویم.

وسیله اساسی برای بشارت

برای داشتن بشارت فعالانه باید به کلام خدا ایمان داشته باشیم، قوت آن را تجربه نماییم و پیغامش را انتقال دهیم. بهترین فروشنده کسی است که کاملاً نسبت به مرغوبیت جنس خود اعتقاد داشته باشد. تردید درباره الهامی بودن کتاب مقدس و ارتباط داشتن آن با زندگی کنونی موجب شده که بسیاری از واعظین، نیروی روحانی خود را از دست بدهند، ولی اگر اعتماد خود را بر اعتبار و الهام کلام خدا و کار روح از طریق آن بنهیم، در خدمت خود نیروی عظیمی را تجربه خواهیم نمود. به مشکل بی‌ایمانی فقط خدا می‌تواند پاسخ بدهد. روح او از طریق کلام کار می‌کند تا موجد ایمان باشد.

هر چه بیشتر بر آنچه که خدا انجام داده و گفته است مطالعه و تعمق نماییم، ایمان بیشتری برای اعلام کلامش به دیگران خواهیم داشت. اگر می‌خواهیم دیگران با ایمان به نزد خدا آیند، باید کلام خدا را به عنوان اساس ایمانشان به آنها بدهیم. این امر نه فقط در مورد نجات آنها، بلکه در جهت رشد روحانی شان نیز مصداق دارد.

1- ثمره روحانی

روح‌القدس از طریق آنچه که هستیم و می‌گوییم کار می‌کند تا مردم را نسبت به حقیقت انجیل، متقاعد سازد. اگر یک فروشنده صابون را ببیند که لباس‌های کثیف و دست‌های سیاه شده دارد، در مورد او چه فکری خواهید کرد؟ آیا از صابون‌های او خواهید خرید؟ در مورد کسی که درباره زندگی جدید در مسیح سخن می‌گوید، ولی زندگی شخصی‌اش، خود

محور و گناه‌آلود است. چه خواهید گفت؟ دنیا، قبل از اینکه قوت انجیل را بپذیرد باید آن را در زندگی ما ببیند. شهادت دادن ما کافی نیست، بلکه باید شاهدان باشیم.

همانگونه که میوه روی درخت، ثابت می‌کند که آن درخت چیست، اعمال ما نیز اثباتی هستند بر محبت و حضور حقیقی خدا در ما. به همین دلیل معمولاً ما را آزمایش می‌کنند. اشخاص بسیاری پس از ایمان آوردن، اعتراف کرده‌اند که در دوره بی‌ایمانی، عمداً می‌کوشیدند که دوستان مسیحی خود را خشمگین سازند.

آنها می‌خواستند ببینند آیا آنچه که مسیحیان در مورد قدرت خدا می‌گویند صحیح است یا نه. خدا را شکر که توسط عیسی برگزیده شده‌ایم و روح او در ماست تا از آزمایشات، سر بلند بیرون آییم. دستور و حکم او خطاب به ما فقط این نیست که موعظه کنیم، تعلیم دهیم و شاهدان باشیم. او می‌خواهد که میوه و ثمره داشته باشیم (یوحنا 15: 16).

این حقیقت را که توسط کانانت (J. E. Conant) بیان شده نباید فراموش کنیم. این ما نیستیم که گمشدگان را با کمک مسیح نجات می‌بخشیم؛ خود مسیح است که به وسیله زندگی و سخنان شاگردان وقف شده‌اش کار صید جان‌ها را انجام می‌دهد. به همین ترتیب، به آن اندازه که به کارگیری و سلطه مطلق روح‌القدس بر ما اهمیت دارد، وسایل و امکانات ما مطرح نیستند.

وقتی که روح القدس، یک مسیحی را در اختیار می‌گیرد، وی ناگزیر است که به دنبال گمشده برود، چه دستوری داشته باشد چه نداشته باشد. پس مهم‌ترین اصل در صید جان‌ها این است که شخص کاملاً تحت سلطه روح و پر از روح باشد، روح همان نجات‌دهنده‌ای که آمد تا گمشده را بجوید و نجات بخشد (کانانت، 1922، ص 11).

2- وقتی که دعا می‌کنیم چه اتفاقی می‌افتد؟

چرا خدای قادر مطلق، باید به ما هم از طریق دعا سهمی در کار خویش بدهد؟ آیا علتش این است که خدا می‌خواهد فرزندانش در علایق او شریک شوند و در مورد راه صحیح انجام کاری که به آنها سپرده شده است، با او بحث و تبادل نظر کنند؟ اگر خدا را برای پاسخ‌هایی که به دعاهایمان داده و پیروزی‌هایی که به ما بخشیده شکر نماییم؟ آیا او را خشنود ساخته‌ایم؟ آیا خدا ما را متکی به دعا آفریده تا در محبت و مشارکت به یکدیگر نزدیکتر شویم؟

هنگامی که وقتی را در حضور خدا می‌گذرانیم، در مشابهت به او نیز رشد می‌کنیم. خدا می‌خواهد ما را به وسیله دعاها ایمان برای احتیاجات دیگران، با محبت نسبت به مردم پر سازد. او ما را محتاج دعای یکدیگر آفریده تا در محبت به عنوان اعضای یک بدن، صمیمانه‌تر با یکدیگر متحد شویم. دعا توسط خدا مقرر شده تا راهی باشد برای نشان دادن حقیقی بودن او و واقعی بودن کلامش. هنگامی که مشغول دعا هستیم، خدا به ما کمک می‌کند تا احتیاجات اطرافیان خود را ببینیم و ما را به سوی شخصی هدایت می‌کند که باید به او شهادت دهیم. او به ما دلگرمی می‌بخشد و ما را در آنچه باید بگوییم راهنمایی می‌کند.

به ما می‌آموزد که در ایمان برای شفای روحانی و جسمانی دعا کنیم. اگر با ایمان دعا کنیم، روح القدس ما را هدایت نموده از طریق ما برای نجات جان‌ها کار خواهد کرد. ستایش، بخش مهمی از تمام این دعاهاست. اعلام ایمان موجب تقویت ایمان ما می‌شود، شک را دور می‌کند و بر ترس‌های غلبه می‌نماید. بارها به هنگام دعا برای نجات یا شفای مردم، متوجه به این نکته شده‌ایم که پیروزی زمانی به دست می‌آید که درخواست کردن را متوقف نموده و خدا را برای پاسخ ستایش کنیم.

به هنگام دعا، باید منتظر باشیم که خدا ما را هدایت کند. در یک شب تاریک و طوفانی، زارعی کانادایی در خانه مشغول دعا بود که عمیقاً احساس کرد صدایی با او سخن می‌گوید: «به جنگل کاج برو، زانو بزن و با صدای بلند دعا کن.» آن زارع با خود فکر کرد که این باید ایده احمقانه خودش باشد، ولی احساسش قوی‌تر می‌شد. بالاخره در آن طوفان، از خانه خارج شد. در میان درختان کاج زانو زد و همان طور که خداوند به او گفته بود با صدای بلند دعا کرد.

ناگهان دستی بر شانه‌اش قرار گرفت و صدای مردی را شنید، به طوری که از جا پرید آن مرد به جنگل آمده بود تا خود کشتی کند. او قبلاً طنابی از شاخه درخت آویزان کرده بود و می‌خواست خود را حلق‌آویز کند که صدای دعا کردن زارع را شنیده بود. نتیجه این شد که آن مرد از قصد خود برای خودکشی منصرف شد و به حیات تازه در مسیح روی آورد. شاید تجربیات ما تا به این حد هم مهیج نباشند، ولی وقتی که دعا می‌کنیم باید انتظار داشته باشیم که خدا در ما کار کند. او می‌خواهد ما را به طرف کسانی هدایت کند که به کمک ما نیاز دارند. بسیاری از مزامیر، سرودهای ستایش آمیز هستند. مزمور 100 نمونه زیبایی است که می‌توان آن را حفظ نمود و تکرار کرد از تک تک عبارات این مزمور می‌توانید در دعاها شخصی خود برای ستایش خدا استفاده کنید.

خدا در دیگران کار می‌کند

در جزایر باهاما، گروهی از جوانان خانه به خانه می‌گشتند و درمورد خداوند با مردم صحبت می‌کردند. آنها قبل از شروع کار، دعا می‌کردند که خدا، کسانی را که ملاقات خواهند کرد، آماده سازد تا شهادت آنها را بپذیرند. در یک خانه، زنی که در را باز کرد با تعجب بسیار به آنها نگاه کرد و گفت: «آیا شنیدید که درباره چه صحبت می‌کردیم؟» پاسخ جوانان منفی بود. آن خانواده در همان لحظه در این مورد گفتگو می‌کردند که زمان آن رسیده که به خدا روی آورند. برای آن مبشرین جوان هدایت آن خانواده به سوی مسیح، کار بسیار آسانی بود. روزی یک مبشر خطاب به گروه عظیمی از مسیحیان چنین گفت: «اولین باری است که شما را می‌بینم، ولی یک چیز را درباره همه شما می‌دانم. قبل از اینکه خداوند را بپذیرید و نجات را بیابید برای هر یک از شما کسی دعا کرده است.»

دعا وستایش ما برای این نیست که خدا را ترغیب کنیم تا ما را برکت دهد، گناهکاران را نجات بخشد و احتیاجاتمان را بر طرف سازد. خدا از قبل می‌خواهد که این کارها را انجام بدهد و برای عملی ساختن آنها هم نقشه و برنامه‌ای دارد، ولی این امتیاز را به ما عطا می‌کند که به وسیله دعا، در این برنامه نقشی داشته باشیم. هنگامی که برای مردم دعا می‌کنیم و خدا را برای جواب دعا شکر می‌گوییم، محبت خدا به روش‌های متفاوت توسط روح‌القدس برای آنها آشکار می‌شود و با نیاز خود به منجی و نجات‌دهنده رو به رو می‌شوند. بیایید قبل از اینکه با مردم راجع به خدا صحبت کنیم. با خدا راجع به آنها سخن بگوییم.

پیغام ما: به مردم بگویید که گناه چیست؟

هنگام موعظه یا تعلیم در باره گناه، کافی نیست فقط به ذکر آنچه که مردم انجام می‌دهند پردازید. گناه، عمیق‌تر از این است. در کتاب مقدس، تعاریف متعددی از گناه آمده است. کلام خدا اساساً به ما نشان می‌دهد که گناه عبارت است از:

- 1- یک بیماری روح
- 2- رد کردن خدا
- 3- گم کردن هدف